

دنیابا تمام نمی‌شود

به‌صراحت می‌توان گفت هیچ نقطه‌ای در تهران نیست که دارای ارزش فرهنگی و تاریخی و طبیعی نباشد.

هر نقطه از شهر ما دارای ارزش‌های ویژه خود است که درک و شناخت آن برای آینده‌ای که برای آن متصور باشیم، به‌کار آمده و عسای دست ما است. وقتی بر روی شهر مطالعه و بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که قسمت‌های مختلف از سوی مردم استفاده و بهره‌برداری شده که امروزه به کناری نهاده شده است. وقتی گروهی از مردم در کنار هم قرار می‌گیرند، یک اجتماع شهری تشکیل می‌دهند و این اجتماع در درازمدت در بستر کالبد خود جامعه شهری را به وجود می‌آورد که درواقع سرمایه اصلی شهر است.

امروزه شاهد هستیم که در بسیاری از محله‌ها و نواحی شهر این جوامع از بین رفته و ما سیر قهقرائی طی کرده‌ایم و فاقد سرمایه‌ای هستیم که در گذشته دارا بودیم. با درنظرگرفتن این مطلب هر میدان، کوچه و محله از شهر را باید بررسی کرد. میدان مهم‌ترین عرصه حیات مدنی شهر است. میدان نقطه‌ای از شهر است که مردم از طریق این فضا به تعامل با یکدیگر می‌پردازند؛ به عبارتی در تقابل و تعامل و رفتار مشترک با یکدیگر قرار می‌گیرند.

میادین در شهرهایی که فاقد نظام‌های مدنی پیشرفته است، جایگاهی ندارند و به تبع آن جای خود را به فلکه و محل عبورومرور ماشین می‌دهند. میدان نقطه‌ای است فاقد فضای سبز و آب و... و در واقع عرصه‌ای است که انسان‌ها در آن با یکدیگر مواجه شده و به ارتباط با یکدیگر می‌پردازند؛ مثل میدان سنت‌پیت در رم یا هر میدان دیگری مثل میدان نقش جهان اصفهان تا قبل از تحولات دهه ۴۰ و میادین تهران مثل میدان توپخانه، میدان مشق، بهارستان، ارگ و... میادینی بودند که مردم با دولت و یکدیگر و با گروه‌های دیگر ارتباط برقرار کرده و شاهد استمرار سنت‌ها، رویدادها یا مناسک و مواردی بودند که به شکلی خودشان را معرفی کرده و در این پهنه شهری با این شناسنامه در کنار سفرهای که همگان در کنارش حاضر شده‌اند، قرار می‌گرفتند. پس هر میدانی دارای ویژگی‌های خاصی بود که در برنامه‌ریزی آینده باید سعی در احیای این ویژگی‌ها کنیم.

به طور مثال میدان بهارستان میدانی بوده که در یک سویش خانه ملت بوده و در اطراف آن فضاهایی واقع شده‌اند که با حوزه فرهنگ و معارف در ارتباط بودند و به آموزش و آینده مردم دراین‌باره می‌پرداختند. بهارستان امروزه مکانی است که بخشی از آن سنگفرش شده و محل عبورومرور است.

درحالی‌که می‌توان نه با ایجاد کافه و گالری و دیگر موارد در فضای تاریخی مهم مثل مسعودیه که دهه‌های متوالی وزارت معارف کشور بوده، آغازگر رویدادهای مهمی با ایجاد آغاز موزه و فعالیت‌های دیگر در این محوطه، شاهد این باشیم که فقط به یک مکان گردشگری تبدیل شود و باید در راستای حوزه فرهنگ از آن استفاده شود. همین را می‌توان درباره باغ نکارستان گفت؛ جایی که دارالمعلمین قدیم بوده یا مرکز دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و چنین جایی که سابقه درخشان تاریخی آموزش دارد، مجدداً باید به مرکز دانشگاه تهران، دفتر مرکزی ریاست، حوزه معرفی و تعامل دانشجویان با دیگران در این نقطه با گذشته این فضای آموزشی برای یک آینده روشن قرار بگیرد. واضح است که در بسیاری از کشورهای دنیا دانشگاهی مثل سوربن یا آکسفورد با عمر بالای هزار سال و قرن‌ها منحل نشده و تبدیل به موزه و مراکز گردشگری دیگر نمی‌شود؛ بنابراین شناخت این ارزش‌ها باعث می‌شود رویکرد خودمان را تشخیص دهیم.

حضور وزارت فرهنگ و ارشاد در مکان فعلی باعث می‌شود پهنه بهارستان تا چهارراه مخبرالدوله به پهنه فرهنگ، نشر، مؤسسات آموزشی، موسیقی و... تعلق بگیرد. این فضایی است که برای بخش‌های دیگر شهر مثل تئاتر شهر یا تالار وحدت که به نمایش و موسیقی اختصاص داده می‌شود یا دانشگاه تهران تا چهارراه کالج که فضای آموزشی است و بسیاری نقاط دیگر که سرمایه‌های بالقوه دارند و می‌توان آنها را به بالفعل درآورد و دوباره تجدید حیات و رفتار مدنی را در این نقاط شاهد باشیم.

میدانی که در آن عرصه پیاده‌رو بر عرصه سواره‌رو غالب باشد و نظایر مختلف، این مصادیق دستمایه سلسله مقالاتی شده که امروز نویسنده محترم با مخاطب می‌تواند از آنها استفاده کند و این مقالات، بافت تاریخی، نوع رفتار و برخورد، چگونگی بهره‌برداری از این سرمایه برای یک آینده مطمئن و پایدار برای شهری را که دارای خاطره و همه ارزش‌های فرهنگی‌اش برای آینده بهتری برای زندگی همه احاد در خودش باشد، در اختیار مخاطبان و علاقه‌مندان قرار دهد.

تهران قدیم

پیاده‌محوری در مرکز تاریخی- فرهنگی تهران

روش‌های جلوگیری از نادیده‌انگاشتن



سعید ساداتنیا
مهندس مشاور امود

تهران شهری تاریخمند و باهویت است که نگاه ساکنانش به این مسئله مکثوم و مغفول مانده است. گذشته از اینکه اکثریت بزرگی از ساکنان این شهر فقط یکی، دو نسل سابقه سکونت در آن را دارند، ولی چه بخواهیم و چه نخواهیم تهران آینه ایران است.

گذشته از شواهد و قرائن هزاران ساله سکونت و یکجانشینی و شهرنشینی در پهنه تهران بزرگ، همچنین تهران کنونی در دل خود دو حصار طهماسبی و ناصری را نهفته دارد که واجد ارزش‌های انکارناپذیر است که می‌تواند موتور تحول فرهنگی و اقتصاد گردشگری آن باشد. از عمر حصار طهماسبی ۴۰۰ سال و از پایتختی تهران بیش از ۲۰۰ سال می‌گذرد. این یعنی تحولات بسیار مهم فرهنگی بشر که بیشترین چهره‌اش در این چند دهه شکل گرفته و پس از انقلاب صنعتی رخ نموده است، در این محدوده جای پای خود را به شکل بومی‌شده و ایرانی آن به جا گذاشته است. این یعنی مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد تحول فرهنگی هویتی که در کالبد این محدوده نهفته است.

ارزش‌های محدوده حصار اول و دوم تهران چنان گسترده و آشکار است و آن‌قدر درباره آن مقاله و مدرک و مطلب موجود است که در این نوشته کوتاه احتیاجی به پرداختن به آن نمی‌بینم. کافی است فقط به محدوده خیابان لاله‌زار توجه کنیم. صدها بنای عالی از معماری ابتدایی مدرن، مدرن و معاصر از بهترین معماران این دوره‌ها در زندگی این خیابان، تا قبل از تعدی و تغییر کاربری‌های چند دهه اخیر در لایه اول و نمای اصلی این خیابان وجود دارد که از جزئیات تزئینات آن تا ترکیب‌بندی مصالح و نماها و فضاهای پر و خالی، اگرچه دستخوش تغییرات و تعدی بسیار شده، ولی بازگوکننده فضای شهری فاخر دوران رونق و سرزندگی آن است. در لایه‌های دوم و سوم آن نیز از خانه‌های عالی که در تملک خانواده‌های بزرگ دوران خود بوده تا خانه‌ها و فضاهای کاری آن دوران، همگی مورد بی‌مهری و تعدی کاسب‌کاری دوره‌های اخیر



واقع شده‌اند. از این دست خیابان‌ها و فضاهای شهری در دل مرکز تاریخی تهران بسیار است.

مسئله اصلی، روش‌های جلوگیری از نادیده‌انگاشتن و تجاوز به این ارزش‌هاست که از چند دهه پیش شدت گرفته و به‌ویژه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به اوج خود رسیده است. مسئله نه‌تنها جلوگیری از تخریب و تعدی، بلکه بازگردانی، زنده، فعال و امروزی ساختن کالبد و پیرو آن، راهیابی برای بازگرداندن زندگی درخور به قلب تهران است. یعنی چه؟ یعنی نه‌تنها نجات‌دادن و احیاکردن کالبد شهر تاریخی، بلکه ایجادکننده سرزندگی، اشتغال و فعالیت امروزی، زدودن فعالیت‌های نامتجانس و نامناسب مثل انبارداری، کاسب‌کاری و بزهکاری و جلوگیری از شب‌مرگی و

ایجاد بستر قانونی و مادی برای بازگشت زندگی شبانه‌روزی همراه با فعالیت‌های گردشگری، صنایع دستی و البته فرهنگی به منطقه است. اقدامات عملی در این زمینه بعد از فراهم‌کردن زمینه‌های قانونی و فرهنگی لازم، ایجاد زیرساخت‌ها و بستری‌های این تحول است. یکی از مهم‌ترین آنها نظام حمل‌ونقل و جابه‌جایی است. لازم است تمام شریان‌های اصلی ترافیکی را به بیرون منطقه انتقال داد و از حرکت‌های عبوری سریع و به‌ویژه از ورود وسایل نقلیه خصوصی به این محدوده تا جایی که امکان دارد، جلوگیری کرد و ترافیک محدوده را در حد ممکن آرام و به حمل‌ونقل عمومی، مسیره‌های امن پیاده و دوطرچه تغییر داد که لازمه آن، بعد از حذف حداکثر ممکنه شریان‌های عبوری از محدوده، کاستن حداکثری از پارکینگ

وسایل نقلیه خصوصی، در محدوده است. در مرحله بعدی ایجاد میدان‌ها و قرارگاه‌هایی برای تبادل سفر و ورود امن و سهل مردم به محدوده باید در دستور کار قرار گیرد.

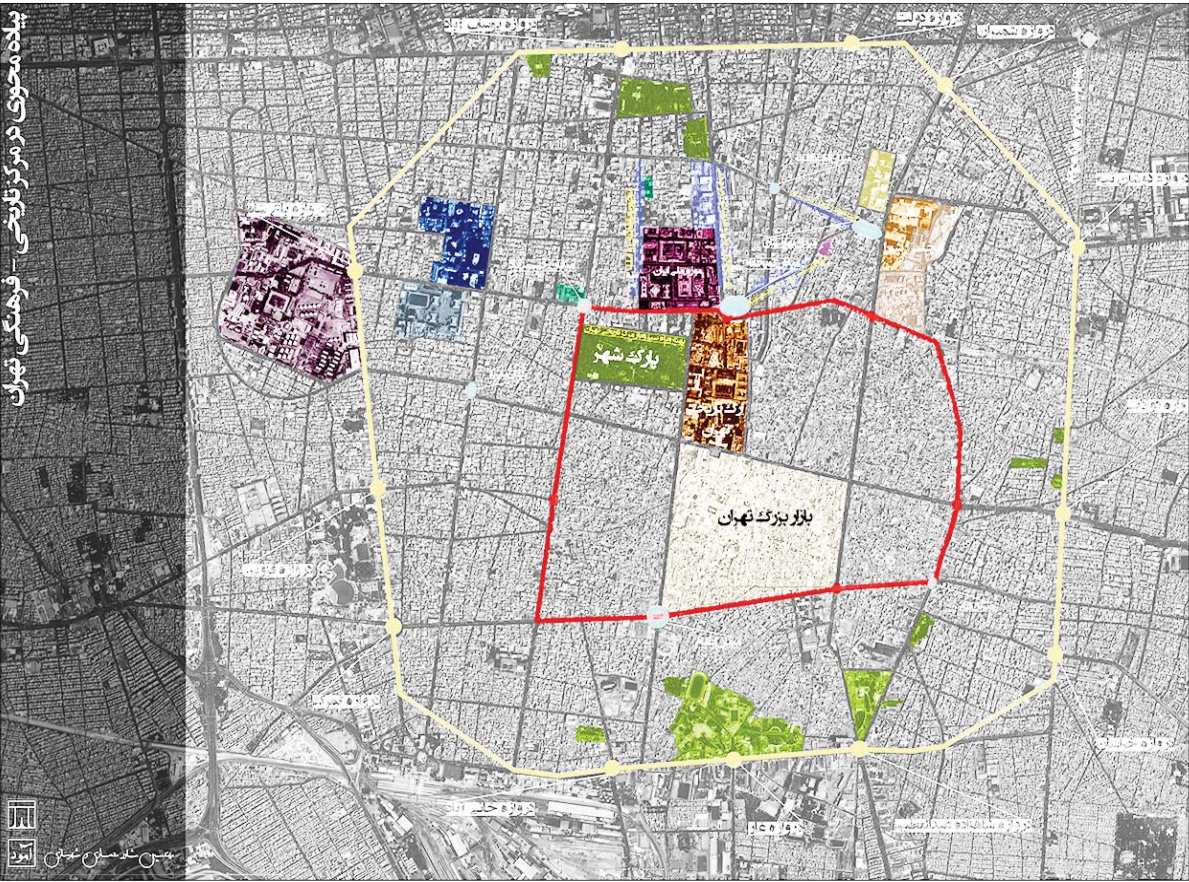
برای ساکنان و شاغلان در محدوده و نیز موارد اورژانسی دسترسی هم باید تدابیر مناسب خود را اندیشید. زدودن آلودگی‌ها از چهره شهر تاریخی و از بستر آن قدم بعدی است. احیای بناهای ارزشمند محدوده و تزریق زندگی امروزی و کاربری‌های مناسب به آنها، ایجاد تعادل بین زندگی روز و شب، پاسخ‌گویی اقتصادی و اجتماعی هم از ضروریات احیای این محدوده است.

داشتن یک برنامه منسجم و تیم‌های کارآمد و سرمایه پشتیبان، به‌ویژه جلب مشارکت مردم با حمایت و دادن امنیت به سرمایه‌های آنان، بسیار کارساز خواهد بود.

جاری‌کردن آب در جوی‌ها و قنوات، کف‌سازی مناسب برای ساماندهی به حرکت آرام وسایل نقلیه و اولویت‌دادن به پیاده‌ها و معلولان در کنار مسیرهای مناسب برای دوطرچه، از ضروریات بعدی است.

ایجاد فضای سبز هرچه بیشتر، حتی سرسبز و شاداب‌کردن نماها و با‌ها می‌تواند به جذب هرچه بیشتر زندگی فریخته، به این بخش هویت‌بخش شهر، کمک شایان کند. استفاده از تشکل‌های صنفی حرفه‌ای مرتبط و نیز تشکل‌های مردم‌نهاد و اهالی بازمانده در محدوده بسیار کارساز و مهم است.

نورآرایی مناسب در جهت ایجاد امنیت و بازنمایی ارزش‌های این محدوده لازم و مؤثر است. همچنین ایجاد زیرساخت‌های هوشمندسازی و جذب هرچه بیشتر این‌گونه فعالیت‌ها، به ارتقای کیفی محدوده کمک شایانی خواهد کرد. از این دست اقدامات باز هم می‌توان شمرد. در هر صورت مجموعه‌ای منسجم و با برنامه از این دست اقدامات، تهران را صاحب قلبی پنبده، هویت‌بخش، جذاب و درآمدزا در درون خود خواهد کرد که نه‌تنها باعث بهره‌مندی و آسایش، بلکه موجب افتخار ساکنان این مادرشهر خواهد بود. محدوده‌ای که می‌تواند جایگاه و بستر اتفاقات فرهنگی، آیینی، مراسم‌ها، جشن‌ها و نیز قرارگاه شهر، شهروندان و مدیران شهری برای هم‌افزایی، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری متقابل در راستای ایجاد شهری برای همه باشد!



مراکز تاریخی شهرها؛ شاهدان زنده

دکتر علیرضا قلی‌نژاد پیربازاری

رنگ و تکنیک و... نقش مؤثری در تقویت حس تعلق و خودباوری و به‌طورکلی هویت منطقه تاریخی شهرها ایفا می‌کنند.

۳- ارزش‌های تاریخی

مراکز تاریخی شهرها از آنجا که سفیران نطفه‌های شکل‌گیری شهرها و تمدن‌های شهری شهادت می‌دهند، در تکوین روندهای تاریخی تمدن‌های بشری، جایگاه ویژه‌ای دارند؛ به‌ویژه آنکه شواهد قابل لمس و دیدن تأثیر بیشتری در فرایندهای علمی-شناختی دارند و در مقایسه با اسناد و مدارک کاغذی و تصویری (عکس و فیلم) تأثیر به مراتب بیشتری دارند.

۴- ارزش‌های آموزشی

آموزش یکی از بهترین جلوه‌های مدنیت است و بنا بر تجربه، آموزش‌های مستقیم و بی‌واسطه تأثیرگذارتر و مؤثرتر از آموزش و انتقال مفاهیم تاریخی، فرهنگی و زیست‌محیطی



است. حیات مدنی در شهرها از طریق مشاهده آثار و شواهد تاریخی و کالبدی و فیزیکی تأثیر بیشتری از نقطه‌نظر فرایندهای آموزش دارد.

۵- ارزش‌های زیست‌محیطی

مراکز تاریخی شهرها مصداق بارز تفاهم زیست‌محیطی زندگی انسان در محیط شهری هستند. عمل متقابل انسان در ایجاد هماهنگی بین ارزش‌های زیست‌محیطی با دست‌ساخته‌های تمدنی در مراکز تاریخی شهرها شواهدی ارزشمند و مفید در اختیار گروه‌های مختلف اجتماعی قرار می‌دهد؛ نتایج حاصل از مواجهه با قواعد فوق بی‌شک در ایجاد زمینه‌های مثبت زندگی مدنی جایگاه ارزنده‌ای دارد.

۶- ارزش‌های مربوط به تنوع زیستی

مراکز تاریخی شهرها، شاهی زنده بر همزیستی اقوام و پیروان ادیان و گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. فراگیری شیوه زندگی همراه با تسامح و تساهل در مراکز تاریخی شهرها می‌تواند زمینه ترویج فرهنگ آشتی را بین اقوام و گروه‌های متنوع و مختلف در دوران معاصر فراهم آورد.

۷- ارزش‌های مربوط به حقوق انسانی

مراکز تاریخی شهرها و میراث فرهنگی ملموس و ناملموس موجود در این مناطق بخش مهمی از دارایی‌های شهروندان به شمار می‌روند. تلاش برای حفاظت از این سرمایه‌ها، برنامه‌ریزی و اقدام در این زمینه از حقوق اساسی شهروندان هر شهر به شمار می‌رود. با نگاه مختصری به عناوین پیش‌گفته به‌مثابه بخشی از ارزش‌های مراکز تاریخی شهرها، دلیل خوبی برای تمرکز و تلاش برای حفظ و احیای این محدوده‌های ارزشمند شهری خواهیم یافت. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه، ارتقای فرهنگی گروه‌های مختلف تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر و مجریان است؛ به‌ویژه شهروندان و در مرحله اول کودکان و نوجوانان جایگاه ویژه‌ای در پایداری اقدامات حفاظتی دارند. به نظر می‌رسد تمرکز بر اقدامات اجرایی و کالبدی و غفلت از آموزش و ایجاد زمینه گفت‌وگوی مثبت و مؤثر گروه‌های مختلف اجتماعی در این زمینه، یکی از دلایل اصلی ناکامی اقدامات متعدد و نسبتاً گسترده از گذشته تا امروز است.